

بازتاب قرارداد ۱۹۱۹ در مطبوعات و آثار شعرا

۱۰ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۱۴:۳۹

خوشبختانه، «به محض اینکه قرار داد در جراید منتشر شد تحریکات شدیدی بر ضد وثوق الدوله، عاقد قرارداد، به عمل آمد، جمعی از دمکراتهای ضد تشکیلی و سایر آزادیخواهان شبنامه ها و مقالات شدیدی باللحنی برضد دولت منتشر ساختند و کار را به آنجا رسانیدند که فریاد مرده باد وثوق الدوله در خیابانهای تهران طنین انداز بود ...»

انقلاب مشروطه، بدون شک یکی از بزرگترین رخدادهای اجتماعی و سیاسی در تاریخ ایران می باشد. این جریان که تمام مسائل و اوضاع کشور را در آن زمان تحت الشعاع خود قرار داد، در حیات ادبی کشور نیز، تأثیر و انعکاس وسیعی پیدا کرد. چه بسیار نویسندگان و شعرا که به گروه آزادی خواهان پیوستند و از راه قلم به مبارزه ی مستقیم با دشمنان آزادی برخاستند.

مسائل و مشکلاتی که در جریان مشروطه، پدیدار شدند، بی شمارند. ولی یکی از مهمترین و خطرناکترین آنها، در دوره دوم مشروطه، قرارداد ۱۹۱۹ بود که در ۱۸ مرداد ۱۹۲۸ هـ.ش به وسیله وثوق الدوله نخست وزیر وقت و در زمان سلطنت احمد شاه امضاء شد.

بر طبق این قرار داد، ایران مستعمره انگلیس تلقی شده و استقلال ایران و آزادی و اختیار او در داشتن هر گونه روابط مستقیم با سایر دولتها و انجام هرگونه گفتگو و قراردادهای سیاسی و اقتصادی از ایران گرفته می شد. همچنین گمرکات ایران در مقابل وامی که دولت انگلیس می داد، از اختیار ایران خارج و وزارت دارایی و وزارت جنگ تحت سلطه ی مستشاران انگلیسی قرار می گرفت.

خوشبختانه، «به محض اینکه قرار داد در جراید منتشر شد تحریکات شدیدی بر ضد وثوق الدوله، عاقد قرارداد، به عمل آمد، جمعی از دمکراتهای ضد تشکیلی و سایر آزادیخواهان شبنامه ها و مقالات شدیدی باللحنی برضد دولت منتشر ساختند و کار را به آنجا رسانیدند که فریاد مرده باد وثوق الدوله در خیابانهای تهران طنین انداز بود ...» (۱)

علاوه بر مخالفتها و اعتراضات شدید در داخل ایران، این قرار داد در تمام دنیا نیز انعکاس نامطلوبی پیدا کرد.

میرزا حسن خان ملقب به «وثوق الدوله» فرزند میرزا معتمد السلطنه در سال ۱۲۵۴ هـ.ش در تهران متولد شد. وی بعد از

تحصیلات متداول در وزارت دارایی مشغول به کار شده و در دوره ی اول مجلس شورای ملی به نمایندگی برگزیده شد. در بین سالهای ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۰ دو نوبت نخست وزیر گشت. سالهای آخر عمرش را در اروپا زیست و در سال ۱۳۲۹ هـ ش در تهران زندگی را بدرود گفت. او برای خاموش کردن صداهای اعتراض به قرار داد ازهیچگونه عملیات قهر و جبر کوتاهی نکرد و عده زیادی را دستگیر و تبعید نمود. با این حال با مخالفتها و شورشهای گسترده ای در تمام نقاط ایران مواجه شد. خیابانی در تبریز و میرزا کوچک خان در گیلان با این قرار داد مخالفت کرده و به مبارزه با آن برخاستند. در بین مطبوعات، تنها روزنامه ی «رعد» مقالاتی له انعقاد قرارداد منتشر می کرد، بقیه ی روزنامه به خصوص «دو روزنامه ی معروف (قرن بیستم) به مدیریت میرزاده عشقی و (طوفان) به مدیریت فرخی یزدی مقالات و اشعار شدید اللحن و تندی برضد قرارداد و خود وثوق الدوله نگاشتند.» (۲)

از جمله مخالفین جدی قرار داد، مرحوم «میرزا یحیی دولت آبادی» بود که «عشقی» با او همکاری می کرد. در جلسه ای که از نمایندگان طبقات مختلف و مجلس مؤسسان در باغ گلستان با حضور احمد شاه قاجار تشکیل شد، بر اثر نطق مهیجی که این شخص کرد، بالاخره قرارداد ۱۹۱۹ رد شد.

در میان آزادی خواهان فراوانی که در این ایام با جان و دل در راه آزادی کشور می کشیدند به غیر از سیاستمداران و سایر اقشار مردم، شعرا و نویسندگان آزادی خواهی دیده می شوند که اغلب با انتشار روزنامه ای به طور مستقل یا به صورت همکاری و کمک، مبارزه ی وسیعی را دنبال می کنند افرادی از قبیل دهخدا، ملک الشعرا ی بهار - عارف قزوینی، ایرج میرزا، میرزاده ی عشقی و فرخی یزدی ...

از جمله این اشخاص، میرزاده ی عشقی و فرخی یزدی هر کدام مستقلاً روزنامه ای را منتشر می کنند. میرزاده ی عشقی «روزنامه ی قرن بیستم» و فرخی یزدی روزنامه ی «طوفان» را، وجه تمایزی که بین این دو فرد با مبارزان دیگر وجود دارد، این است که هر دو جان بر سر این کار گذاشته و به خاطر سخنان بی پروا و اشعار شجاعانه خود توسط حکومت ترور و کشته شده اند. به همین جهت، اشعار و آثار این دو مبارزه را به عنوان نمونه ای از میان سایر آزادی خواهان برگزیده و ذکر می کنیم.

سید محمد میرزاده عشقی در سال ۱۲۷۲ هـ ش در همدان متولد شد. در سال ۱۲۹۳ در همدان روزنامه ای به نام «نامه عشقی» دایر کرد و در همان زمانها که مقارن جنگ جهانی اول بود به استانبول مهاجرات کرده و چند سالی را در آنجا گذراند بعد به همدان برگشته و از آنجا به تهران آمد. و شخصاً روزنامه ی «قرن بیستم» را که در ضمن مهمترین نشریه ی طنز این دوره می باشد، در سال ۱۳۰۰ هـ ش منتشر کرد. «در این مبارزه و کوشش سیاسی نیش قلم شاعر بیش از همه متوجه وثوق الدوله، نخست وزیر ایران و عاقد قرارداد معروف ایران و انگلیس بود. عشقی این قرارداد را «معامله ی فروش ایران به انگلستان» نامید و در یکی از اشعار متعدد خود که در سال ۱۳۳۷ هـ ق در این زمینه سرود، چنین گفت:

رفت شاه و رفت ملک و رفت تاج و رفت تخت

باغبان ، زحمت مکش کز ریشه کنند این درخت

میهمانان و ثوق الدوله خونخوارند سخت

ای خدا ، با خون ما این میهمانی می کنند ...

سخنرانیهای تند و مقالات و اشعار آتشین عشقی بر ضد قرارداد باعث شد که وثوق الدوله دستور دستگیری او را داد و شاعر به زندان افتاد. «(۳)

در آغاز زمزمه ی جمهوریت ، عشقی دوباره روزنامه قرن بیستم را در سال ۱۳۰۳ هـ ش منتشر کرد که یک شماره بیشتر انتشار نیافت و بر اثر مخالفت با جمهوری ، و سرودن هجویه ای در زمینه ی اعلام جمهوری رضاخانی مجدداً روزنامه اش توقیف شد و خود شاعر نیز به دست دو نفر در صبح دوازدهم تیرماه ۱۳۰۳ هـ ش در خانه ی مسکونی خود هدف گلوله قرار گرفت و بدرود زندگانی گفت . عشقی در مجموع مقالات خود ، مقاله ای بر علیه وثوق الدوله نگاشته که عنوان آن «مقاله چهارم در مورد الفبای فساد اخلاق» می باشد .

«...در مقاله اول الفبای فساد اخلاق در هجی نموده و نیز ثابت کردم که مبتکرانین الفبا در ایران وثوق الدوله است ... وثوق الدوله علاوه از بستن قرار داد ایران و انگلیس یک گناه بزرگتری را مرتکب شده و آن این است که الفبای فساد اخلاق را در جامعه تدریس کرد ... تمام این بدبختی ، اثر شیوع این الفبای منحوس فساد اخلاقی یعنی رواج این جمله پلید است : «هرکس پول داد برای او باید کار کرد ، وجدان ، عقیده ، مسلک موهوم است» حالا ما اگر واقعاً بخواهیم ریشه ی این شجره ی خبیثه را از بن بکنیم باید وثوق الدوله و عموم همدستان وثوق الدوله را به چوبه ی دار تحویل بدهیم. «(۴)

عشقی همچنین چکامه ای را بر علیه قرار داد ۱۲۹۷ هـ ش سروده است . که ابیاتی کاملاً رسا و واضح در مذمت انگلیس و وثوق الدوله دارد و در آخر این که ملت با بی حالی و بی حسی خود را تسلیم چنین قرار دادهایی می کند ، گله کرده است .

...داستان موش و گربه است، عهد ما و انگلیس

موش را گر گربه بر گیرد، رها چون می کند؟

انگلیس آخر دلش، بهر من و تو سوخته

آن که بهر یک وجب خاک اینقدر خون می کند؟

آنقدر می دانم امروزه ارکه بر ما داده پنج

غاز، فردا دعوی پنجاه میلیون می کند... (۵)

در شعر «درد وطن» باز به معاهد اشاره می کند:

...تنها منم که گر نشود حکم قتل من

حاشا، چنین معاهده امضاء نمی شود

گرسیل سیل خون ز در و دشت ملک هم

جاری شود معاهده امضاء نمی شود (۶)

عشقی در حبس تاریک شهربانی تهران، خطاب به وثوق الدوله قصیده ی زیر را سرود و در این شعر نسبت به علت محبوس شدنش چنین اعتراض می کند؟

...زینم را نمی دانم، گنهکار از چه می خوانی؟

چه بد کرده که گردانم از آن کرده پشیمانم

اگر گفت بیگانه چه می خواهد در این خانه؟

خیانت می نه بنموده، چه می خواهید از جانم؟

نگهداری این کشور، اگر تایید ز دست تو

چرا با دست خود بدهی بدست انگلیسانم؟...

...گنهکارم من ار پابند استقلال ایرانم

و یا خاطر پریشانم از اوضاع پریشانم؟ (۸)

عشقی، علاوه بر این اشعار، ابیات دیگری نیز در این زمینه سروده است.

شاعر و روزنامه نگار دیگری که بر علیه این قرارداد بی محابا اعتراض کرده و با مقالات و اشعار کوبنده ی خود علیه وثوق الدوله مبارزه می کند «فرخی یزدی» می باشد.

محمد فرخی یزدی در سال ۱۲۶۳ کهش در یزد متولد شد. در نوجوانی نخستین بار زیر تأثیر فضای روحی انقلاب مشروطیت در شهرستان یزد که هنوز نظام استبدادی در آن برقرار بود، منظمه ای به ظاهر در ستایش حکمران ساخت اما در واقع او را به استقرار آزادی و قانون نصیحت کرد. این عمل او موجب خشم حاکم شده و دستور داد با نخ و سوزن دهانش را بدوزند و به زندان بیفکنند. زیر فشار آزادی خواهان فرخی از زندان آزاد شده و به تهران رفت و روزنامه ای به نام «طوفان» تأسیس کرد و به مبارزه پرداخت. بعد از سرنگونی حکومت سلسله قاجاریه در مجلس هفتم، فرخی به عنوان نماینده ی یزد به مجلس راه یافت و در سال ۱۳۰۹ به علت توطئه علیه حکومت به شوروی گریخت. بعد به برلن رفت و با روزنامه ی «پیکار» در آنجا همراهی نمود. در سال ۱۳۱۱ هـ.ش به ایران بازگشت. دستگاه حکومت در سال ۱۳۱۶ هـ.ش به بهانه ی شکایت یکی از طلبکاران او را به زندان افکند و چون در زندان نیز از مبارزه دست برداشت، در سال ۱۳۱۸ هـ.ش در زندان شهربانی به قتل رسید.

فرخی در ماجرای قرار داد ۱۹۱۹ هـ.ش صریحاً به انتقاد و بدگویی از وثوق الدوله بر می خیزد و خطاب به او می سراید:

داد که دستور دیو خوی زبیداد

کشور جم را به باد بی هنری داد

داد قراری که به قراری ملت

ز آن فلک می رسد زلوله و داد... (۸)

فرخی این ابیات را که در زندان وثوق الدوله سروده است به دستور (نخست وزیر) می گوید که ایران را به باد داد و قرار دادی که بست صدای اعتراض همه را برانگیخت. در ادامه ی شعر به محبوس شدن همین اعتراضات اشاره می کند .

...حبس نمودی مرا که گفته ام آن دوست

در به روی دشمن وطن زچه بگشاد؟

و یا در شعر دیگری می گوید :

باوثوق الدوله باد صبا گو این پیام

با وطن خواهان ایران بد سلوکی نیک نیست

...آن که استقلال ما را در قرار انشا نمود

مقصدش از آن مواد شوم جز تملیک نیست. (۹)

و در این رباعی می گوید :

آنان که پرپر قلب ما را خستند

دوشینه یگانه عضو دولت بودند

امروز نماینده ی ملت هستند (۱۰)

و در رباعی دیگری می گوید :

بدبختی ایران زد و تن یافت قوام

این نکته مسلم خواص است و عوام

آن دولت انگلیس را بود و ثوق

این سلطنت هنوز را هست قوام (۱۱)

البته غیر از این ابیات، اشعار دیگری نیز در این زمینه وجود دارند که به عنوان ذکر نمونه به همین مقدار بسنده شد .

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/20732/بازتاد-قرارداد-1919-شعرا-آثار-مطبوعات>